

اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در مورد

تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۳

تهاجم به سفره خالی کارگران

را در هم بشکنیم!

حکومت اسلامی سرمایه داران بار دیگر آغاز سال نو را با تعیین دستمزدهای چند مرتبه پایین تر از خط فقر و تعرض به سفره بی رمق خانواده های کارگری کلیک زد. بعد از چندین هفته چانه زنی نمایندگان دولت، نمایندگان سرمایه داران بخش خصوصی و نمایندگان تشکل های زرد کارگری وابسته به حکومت اسلامی در شورای عالی کار، این نهاد ضد کارگری، میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۳ را ۳۵ درصد اعلام کرد. بر اساس این تصمیم، حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳ با افزایش ۳۵ درصدی، از ۵ میلیون و ۳۰۸ هزار تومان به ۷ میلیون و ۱۶۶ هزار تومان افزایش یافت که با محاسبه مبلغ بن خواربار، کمک هزینه مسکن و سایر مزایای جانبی مزد، دریافتی کارگران به ۱۱.۵ میلیون تومان می رسد. تعیین این میزان از حداقل دستمزد در حالی است که حتی بانک مرکزی رژیم نرخ تورم را ۴۲ درصد اعلام کرده و در عالم واقع هزینه سبد معیشت کارگران که از هزینه خوراک و پوشاک و درمان گرفته تا اجاره بهای مسکن و هزینه رفت و آمد و آموزش و تفریح و غیره را نیز شامل می شود، همگی در طی یک سال گذشته به طور سرسام آور افزایش پیدا کرده اند. در شرایط کنونی با توجه به تشدید بحران اقتصادی و سقوط و نوسان ارزش ریال در مقابل قیمت دلار، هزینه سبد معیشت خانواده کارگری در تهران به بالای ۳۰ میلیون و در شهرستان ها به بالای ۲۵ میلیون تومان در ماه رسیدهاست. بنا به گفته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی رژیم اسلامی این افزایش حداقل دستمزدها فقط کارگران مشمول قانون کار را در بر می گیرد. با این حساب در این اوضاع بحرانی کارگران قرارداد موقت و یا کارگرانی که در کارگاههای کوچک به ویژه زنانی که به دورکاری ویا کار در کارگاههای خیاطی و قالیبافی اشتغال دارند و از



پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایران

به مناسبت نوروز و سال نو ۱۴۰۳



پیام کمیته مرکزی کومه له به مناسبت نوروز و آغاز سال ۱۴۰۳

طبقه کارگر می تواند و باید پاسخ مناسب

به تهاجم "شورای عالی کار" رژیم بدهد!



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در محکومیت عملیات تروریستی در مسکو



برای مقابله با سیاست های مرگبار

دولت های سرمایه داری علیه مهاجران

متحد شویم!



اذعان به درماندگی در پیام نوروزی سران رژیم اسلامی!

در طی ۴۵ سال گذشته هیچ گاه خبر خوب و شیرینی از جمهوری اسلامی نشنیده اند. آنچه دیده اند و تجربه کرده اند خبرها و اقدامات تلخ و ناگوار بوده است، خبر فقر و گرسنگی بوده، خبر جنگ و کشتار بوده، خبر اعدام، سرکوب، زندان و شکنجه بوده است. از این رو کارگران و توده های معترض مردم ایران راه نجات از این اوضاع فاجعه بار را در سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی فاسد سرمایه داران ایران می دانند.

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات داخل کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
داخل گروه (فکس)

takesh.komalah@gmail.com

هزینه زندگی ماهانه بر افزایش حداقل دستمزدها به میزان ۴۵ میلیون تومان در ماه تأکید کرده اند. اما رژیم اسلامی سرمایه داران حتی حاضر نیست هزینه بازتولید نیروی کار که چیزی جز هزینه مایحتاج روزانه کارگر و خانواده اش برای خوردن، پوشیدن و بهداشت و سلامت است را پردازد. با توجه به کینه طبقاتی و سرسختی دولت و سرمایه داران برای پایین نگه داشتن حداقل دستمزدها، تعیین حداقل دستمزدها متناسب با هزینه تأمین یک زندگی انسانی و تعیین خط قرمز برای سرمایه داران در پایین نگه داشتن دستمزدها به یکی از مطالبات محوری کارگران ایران تبدیل شده است. بخش پیشرو جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از جنبش طبقه کارگر جهانی با این هدف که کم درآمدترین بخش طبقه کارگر نیز باید بتواند با توجه به سطح تورم واقعی، نیازمندی های اساسی زندگی خانواده کارگری در دهه سوم قرن بیست و یکمرا تأمین نماید، بر افزایش حداقل دستمزدها تأکید می کند. در شرایطی که به رغم همه سختی ها، جنبش کارگری ایران یکی از پر جنب و جوش ترین و پر اعتصاب و اعتراض ترین دوران خود را طی می کند و خواست افزایش دستمزدها متناسب با تأمین یک زندگی انسانی خواست بخش های مختلف جنبش کارگری ایران را تشکیل می دهد و این خواست از مقبولیت اجتماعی برخوردار است، زمینه یک جنبش سراسری برای افزایش دستمزدها وجود دارد. در این شرایط لازم است تشکل ها، شبکه فعالین پیشرو و رهبران کارگری که با کانون های داغ مبارزه کارگران رابطه و پیوندهای زنده و ارگانیکی دارند، دست به دست هم دهند، و با نهادینه کردن پیوندها و همکاری های خود برای سازماندهی اعتصابات و اعتراضات سراسری کارگران حول افزایش دستمزدها بستر سازی کنند. با به حرکت در آمدن متحدانه کارگران در کارخانه ها و مجتمع های بزرگ صنعتی است که کارگران کارگاههای کوچک صنعتی در ابعاد گسترده به آن می پیوندند. سازماندهی اعتراض ها و اعتصابات گسترده و یکپارچه در کارخانه ها و مؤسسات و مراکز و صنعتی تولیدی بزرگ و کلیدی تنها ضامن تداوم و پیشروی جنبش انقلابی جاری و در هم شکستن تهاجم لجام گسیخته حکومت اسلامی سرمایه داران به سطح زندگی و سفره خالی کارگران است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

شمول قانون کار خارج هستند با شرایط به مراتب دشوارتری روبرو خواهند شد. در حالی که شورای عالی کار رژیم اسلامی دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر را رسمیت بخشیده است، رسانه های حکومتی در داخل و شبکه بی.بی.سی فارسی در خارج، روی ترک کردن جلسه شورای عالی از جانب باصطلاح نمایندگان کارگری در هنگام امضای این مصوبه تمرکز کرده اند. این در حالی است که همه میدانند این نمایندگان باصطلاح کارگری نمایندگان تشکلهای ضد کارگری وابسته به حکومت اسلامی هستند که اصلاح طلبان حکومتی در آنها لانه کرده اند و به هیچ وجه نماینده طبقه کارگر ایران نیستند. معرفی نمایندگان این تشکل های حکومتی به عنوان نمایندگان کارگران ایران، و ژست مخالفت خوانی آنها با مصوبه شورای عالی از نوع رأی ندادن محمد خاتمی و موسوی در مضحکه های انتخاباتی حکومتی است. اینها هدفی جز ایجاد تفرقه در صفوف کارگران ایران در مبارزه برای افزایش دستمزدها ندارند. اینها می خواهند مبارزه کارگران ایران برای افزایش دستمزدها را در چهار چوب قوانین ارتجاع جمهوری اسلامی و استراتژی اصلاح طلبان حکومتی به بند بکشند. خوشبختانه فعالان پیشرو جنبش کارگری ایران مدتها است که دست این تشکل های ضد کارگری و اصلاح طلبان حکومتی را خوانده اند و سیاست تفرقه افکنانه آنها را با تلاش برای ایجاد اتحاد گسترده کارگری جهت افزایش دستمزدها پاسخ خواهند داد. دولت ابراهیم رئیسی در ادامه سیاست های سرمایه دارانه و ارزان سازی نیروی کار با اعلام مبلغ تعیین شده برای حداقل دستمزد بار دیگر نشان داد که میخواهد بار سنگین بحران سرمایه داری ایران و ورشکستگی اقتصادی رژیم، هزینه های هنگفت ناشی از برنامه های هسته ای، ماجراجویی ها و مداخله گری های نظامی خود در کانون های بحرانی منطقه را با فقر و فلاکت روز افزون به میلیون ها خانواده کارگری تحمیل نماید. دولت رئیسی در حالی به تعرض خود به سطح معیشت کارگران ادامه می دهد که مطابق لایحه بودجه دولت در سال جاری ۱۳۴ هزار میلیارد تومان برای «تقویت بنیه دفاعی» در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح قرار می گیرد و برای اولین بار رسماً و قانوناً به سپاه پاسداران اجازه صدور نفت داده شده است. اما این حاکمان سرمایهها زنجیره فساد مالیو دزدی های کلانی که در کارنامه دارند، زمانی که مسئله افزایش حداقل دستمزد به میان می آید چماق افزایش تورم و میزان "دخل و خرج" دولت را بر بالای سر کارگران می چرخانند. اکنون با توجه به شکاف عمیق حداقل دستمزد تعیین شده از جانب "شورای عالی کار" با هزینه تأمین سبد معیشت یک خانواده کارگری، برخی از تشکل های کارگری مستقل از دولت، با محاسبه

دستمزد کارگران چگونه تعیین می شود؟

بازار کار و درجه اتحاد و همبستگی طبقه کارگر، دو عاملی که ممکن می ساخت کارگر دستمزد برابر با ارزش نیروی کار و وسایل معاش را بدست آورد، در دنیای واقع و در عمل مدام در حال نوسان است و غالباً به زیان کارگران است. و این جزو ذات سرمایه داری است که با هر دوره رونق به دوره بحران و رکود می افتد و با وسعت گرفتن بیکاری و غیره رقابت را در میان کارگران دامن می زند و نیروی مقاومت در میان کارگران را کاهش می دهد. حاصل این وضعیت این می شود که در عمل دستمزد کارگران از ارزش نیروی کارش کمتر می شود، دستمزد به پایین تر از خط فقر مطلق تنزل می کند و کارگر همان چیزی را هم که برای تر و تازه نگهداشتن نیروی کار و اداره کردن خانواده اش لازم دارد دریافت نمی کند و دستمزد ها چنان سقوط می کنند که برای حفظ جان در بدن کارگر هم به زحمت کفاف میکند. بله، در این هرج و مرج نظام سرمایه داری، در این هرج و مرج نظام بردگی مزدی که همه امور بر جنگ طبقاتی بر جنگ کارگران و سرمایه داران استوار است، اینکه کارگران بتوانند حتی همان ارزش نیروی کارشان را دریافت کنند و ملزومات یک زندگی انسانی را تأمین کنند، صرف انرژی و مبارزه طبقاتی عظیمی را طلب می کند. در این جنگ طبقاتی، کارگران به همان میزان که نیروی طبقاتی خود را متحد و همبسته و متشکل به میدان آورند می توانند از پس طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن بر آیند و دستمزد متناسب با تأمین یک زندگی انسانی را به سرمایه داران تحمیل کنند. اینکه میزان دستمزد چقدر خواهد بود و اینکه آیا کارگران واقعا ارزش نیروی کار خود و معادل تأمین یک زندگی انسانی را دریافت می کنند، در عمل و در دنیای واقع بیش از هر چیز به قدرت طبقه کارگر و توان مبارزه اش با طبقه سرمایه دار بستگی دارد. اگر در سال گذشته کارگران در میدان مبارزه برای افزایش دستمزدها، طبقه بندی مشاغل، بازگشت بکار همکاران خود، لغو قراردادهای موقت و ... شمشیر می زدند، این اعتراضات و اعتصابات کارگری لازم است متحدانه تر، همبسته تر و سراسری تر ادامه یابند. اگر نمی خواهیم زندگی و هستی کارگران به تباهی کشانده شود، ضروری است که مبارزه برای افزایش دستمزدها را متحدانه تر و سراسری تر کنیم. این یک نیاز طبقاتی است.

بمثابه یک طبقه بتوانند ادامه حیات یابند، زنده بمانند و باز هم ثروت طبقه سرمایه دار را تولید کنند. و این یکی از پایه ها و اساس نظام سرمایه داری است، این نظام، نظام بردگی مزدی است. یعنی کارگران مجبورند برای تأمین زندگی خود و بچه هایشان، برای تأمین نان و پوشاک و مسکن، بهداشت و درمان و ... پاهایشان را به ماشین و ابزار تولیدی که در اختیار سرمایه دار است زنجیر کنند. اما بالاخره این سهمی که برای تأمین بقای اجتماعی کارگران به آنان برگردانده می شود چقدر است؟ و میزان دستمزد چگونه تعیین می شود؟ میزان دستمزد تماماً به شرایط رقابت و قدرت و زور آزمائی دو طرف بستگی دارد. اینجا کارگر صاحب کالائی است که همان نیروی کارش می باشد، و کالای خودش را بفروش می گذارد. حال اینکه نیروی کار کارگر در مقابل چه دستمزدی خریده خواهد شد، به دو عامل مهم بستگی پیدا می کند. اول اینکه اوضاع بازار از چه قرار است، در حال رونق است یا رکود، تقاضا برای نیروی کار زیاد است یا کم؟ اما عامل دوم در تعیین دستمزد که اساسی تر است درجه اتحاد و همبستگی و توان ایستادگی و مبارزاتی کارگران است. اینکه آیا کارگران بخوبی متحد هستند که در برابر تلاش سرمایه داران و دولت حامی آنها که می خواهند هر چه ممکن است دستمزد کمتری بدهند، بتوانند ایستادگی کنند یا خیر؟ اگر همه چیز بر وفق مراد باشد یعنی هم تقاضا برای نیروی کار زیاد باشد و هم کارگران متحد و توانایی ایستادگی و مقاومت داشته باشند، تازه کارگران شانس می یابند که دستمزدی را بگیرند که به آنها امکان می دهد، در چهارچوب همان زندگی ای که در جامعه سرمایه داری برای کارگران معمول و متعارف شناخته می شود، کارگر نیروی کارش را تجدید کند و تر و تازه نگهدارد و در خانواده اش هم کارگران فردا را پرورش دهد. تازه در این حال که بهترین حالت است دستمزد کارگر با ارزش نیروی کارش یعنی معادل آن مقدار وسایل معیشت و ضروریات زندگی است که کارگران برای توان کار کردن و بقای نسلش به آن نیاز دارند. ارزش نیروی کار همانند هر کالای دیگر بر اساس زمان کار لازم برای تولید و بنابراین تولید این کالای ویژه تعیین می شود، یعنی زمان کار لازم برای تولید نیروی کار همان مدت زمانی است که برای تولید وسایل معاش کارگر ضروری است. اما این دو عاملی که بر شمرده ایم، یعنی رونق

حکومت اسلامی سرمایه داران با تعیین دستمزدهای چند مرتبه پایین تر از خط فقر بار دیگر به سفره خالی خانواده های کارگری تعرض کرد. بعد از چندین هفته چانه زنی های نمایشی نمایندگان دولت، نمایندگان سرمایه داران بخش خصوصی و نمایندگان "تشکلهای کارگری" وابسته به حکومت اسلامی در شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳ با افزایش ۳۵ درصدی، به ۷ میلیون و ۱۶۶ هزار تومان افزایش یافت. مزد دریافتی کارگران مشمول قانون کار با محاسبه مبلغ بن خواربار، کمک هزینه مسکن و سایر مزایای جانبی مزد، به ۱۱.۵ میلیون تومان می رسد. تعیین این میزان از حداقل دستمزد در حالی است که حتی بانک مرکزی نرخ تورم را ۴۲ در صد اعلام کرده است. اما در عالم واقع هزینه سبد معیشت کارگران که از هزینه خوراک و پوشاک و درمان گرفته تا اجاره بهای مسکن و هزینه رفت و آمد و آموزش و تفریح و غیره را نیز شامل می شود، همگی در طی یک سال گذشته به طور سرسام آور افزایش پیدا کرده اند. فعالین پیشرو جنبش کارگری و تشکل های کارگری مستقل از دولت با توجه به شکاف عمیقی که بین حداقل دستمزد تعیین شده از جانب "شورای عالی کار" و هزینه تأمین سبد معیشت یک خانواده کارگری وجود دارد و با محاسبه هزینه زندگی ماهانه یک خانواده کارگری چهار نفره اعلام کرده اند که حداقل دستمزد ماهانه کارگران نباید از ۴۵ میلیون تومان کمتر باشد. همه این آمار و ارقام نشان می دهد که حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری سه تا چهار مرتبه پایین تر از خط فقر تعیین شده است. اما دستمزد چیست و چرا دولت و کارفرماهای بخش خصوصی تا این اندازه برای کاهش آن تلاش می کنند؟ دستمزد پولی است که کارفرما روزانه، هفتگی یا ماهانه به کارگر می دهد تا کارگر برایش کار کند. کارگر این پول را صرف غذا، پوشاک و کرایه خانه، بهداشت و درمان، هزینه آب و برق و رفت و آمد، تفریح، اینترنت و غیره می کند. یعنی دستمزد می شود همان خرجی که کارفرما روزانه یا ماهانه به کارگر می دهد تا کارگر این مدت را برایش کار کند. یعنی اینکه کارگران کار می کنند، تولید می کنند و طبقه سرمایه دار تمام حاصل کار طبقه کارگر را به جیب می زند و فقط جزئی از حاصل کار را به شکل دستمزد به کارگران بر می گرداند. یعنی دستمزد جزئی از حاصل کار کارگر است که به خود او برگردانده می شود، تا کارگران

نصرت تیمورزاده

طبقه کارگر می تواند و باید پاسخ مناسب به تهاجم "شورای عالی کار" رژیم بدهد!

میلیون و صد و شصت و شش هزار تومان و با در نظر گرفتن کمک هزینه مسکن و موارد جانبی مزد به یازده و نیم میلیون تومان افزایش یافت. به زبان دیگر این افزایش حتی تورم چهل و دو درصدی اعلام شده از جانب بانک مرکزی رژیم را هم را جبران نمی کند. این سطح از حداقل دستمزد در حالیکه تشکل های مستقل کارگری با توجه به تجربه روزانه خود معادل چهل و پنج میلیون تومان ذکر کرده اند، تهاجم وحشیانه ای است که شورای عالی کار به زندگی کارگران سازمان داد. کافی است به قیمت واقعی کالاها مورد نیاز نظری بیفکنیم تا فاصله فاحش این دستمزد با سبد معیشت حداقلی مزد بگیران روشن شود. مرکز آمار ایران می گوید که شاخص میانگین قیمت کالاها و خدمات در دیماه سال ۱۴۰۲ نسبت به دیماه سال قبل سی و هشت و نیم درصد افزایش داشته است. در درون این میانگین اما تفاوت هایی موجودند. از جمله تورم سالیانه مرغ و تخم مرغ چهل درصد، نان و غلات به عنوان پرمصرفترین کالاها، خوراکی در خانواده های فقیر معادل بیست و هفت و هشت دهم درصد، نرخ تورم گوشت نود و هشت و سه دهم درصد، تورم اجاره مسکن و انرژی که بیشترین حجم از بودجه خانوار هزینه آن میشود معادل چهل و نه دهم درصد، بهداشت و درمان چهل و شش و هفت دهم درصد، حمل و نقل پنجاه و شش و هشت دهم درصد، آموزش به عنوان یکی از تعهدات دولت برای دسترسی رایگان همگانی معادل چهل و دو دهم درصد بوده است. وبسایت "تجارت نیوز" که اخبار اقتصادی را پوشش میدهد در گزارشی می نویسد که "در یک سال گذشته برنج بیست و یک درصد، چای و خرما صد و یازده درصد، قند و شکر هفتاد و چهار درصد افزایش قیمت داشته اند." می دانیم که دولت در سال های گذشته برای جبران کسری بودجه از بانک مرکزی پول استقراض می کند و برای جبران نقدینگی دست به چاپ پول می زند و همین موضوع یکی از عوامل افزایش تورم است. نرخ ارز هم در سال جاری با جهش های چند باره روبرو بوده که به بازار شوک قیمتی وارد کرده و سفره خرید مردم را کوچک تر کرده است. به زبان دیگر رژیم افزایش بودجه سالیانه نهادهای گسترش خرافات و هزینه بلند پروازی های خود را از سر سفره های خالی میلیونها تن از مزد و حقوق بگیران به سرقت می برد.

و کارفرمایان، نحوه محاسبه قیمت کالاهاست؛ زیرا دولت می گوید در تمامی اقلام چون سبد حداقل است، باید حداقل قیمت های موجود در بازار محاسبه شود." به گفته وی: "عدد نهایی گروه کارگری با ملاک قراردادان دهک چهارم ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان استخراج شده است، اما دولت زیر بار آن نمی رود." روز شنبه بیست و شش اسفند آخرین جلسه شورای عالی کار قبل از شروع سال جدید برگزار شد. محسن باقری به اصطلاح "نماینده کارگران" در "شورای عالی کار" در گفتگو با خبرنگار ایلنا، در گزارش از جلسه اعلام کرد که: "اینکه مرکز آمار ضریب اهمیت خوراکی ها را در دهک چهارم روی مرز چهل قرار داده است، یعنی چهل در صد از سبد کارگران به خوراکی ها اختصاص داده برای ما محل چالش و اعتراض است." وی گفت: "نظر گروه کارگری این است که عدد بیست و نه را به عنوان ضریب اهمیت خوراکی ها در سبد قرار دهیم." او ادامه داد که: "گروه کارفرمایی تلاش دارد که حداقل قیمت ها را روی اقلام سبد معیشت بگذارد، در مقابل هم گروه کارگری مینا را روی حداکثر قیمت های اقلام سبد گذاشته است" و بالاخره حرف آخرش این است که: "دولت باید میانجی گری کند." و معلوم می شود که دست آخر دولتی که خود هم کلان سرمایه دار است و هم دولت سرمایه داران است و خود یک طرف ماجراست باید میانجیگری کند. و اسم این شعبده بازی را هم میگذارند سه جانبه گرائی و گویا این بازوان دراز شده دولت و سرمایه داران قرار است به اصطلاح نماینده کارگران باشند. و البته فرصت زیادی لازم نبود تا مرتضوی وزیر کار دولت میانجی گری کرده و بگوید: "اگر فردا هم نمایندگان کارگری روی حرف خود مقاومت کرده و به نتیجه واحدی در خصوص موارد نرسیم، بدون اجماع پیشنهادهای هر سه گروه به رأی گیری گذاشته می شود و با رأی اکثریت تصویب و نهائی میشود." و چندان هم سخت نبود که فهمید رأی اکثریت چه خواهد بود و مثل هرسال نمایندگان به اصطلاح کارگری غرولند کرده و تابع رأی اکثریت خواهند شد و همه این نمایش مضحک را به عنوان "مقاومت" نمایندگان کارگری خواهند فروخت. تمام چانه زدن های چند هفته ای، تمام "مقاومت" آنانی که بازوان دراز شده سرمایه داران و دولتشان بودند، این شد که حداقل دستمزد کارگران برای سال پیشارو با افزایش سی و پنج در صد به هفت

به روال هر ساله از ماه ها و هفته های پیش، گمانه زنی ها و مجادلات در میان اعضاء آنچه که شورای عالی کار نامیده می شود، آغاز می گردد. از نمایندگان به اصطلاح کارگری در "شورای عالی کار" که چیزی جز بازوان دراز شده دولت و سرمایه داران هستند، تا نمایندگان دولت که خدمتگذار سرمایه اند و بالاخره نمایندگان مستقیم بورژوازی حریص به صحنه می آیند. اسم این نمایش تکراری و مسخره را هم سه جانبه گرائی گذاشته اند که خود ریاکاری آشکاری است. اینها در این شورا همزمان علیرغم ظاهر سه گانه شان و چک و چانه زدن های شرکت کنندگان در واقع امر یک جانب بیش نیستند که برخی تن پوش عاریتی به تن کرده اند. جانب دیگر آنهایی هستند که در کارخانه ها و کارگاه ها و در گذر محلات به بردگی کشیده می شوند و دستمزدشان حتی کفاف نیمه ماه را هم نمی دهد. قبل از ورود به میث اصلی شاید بد نباشد نگاهی به آخرین پرده های این نمایش مضحک بیفکنیم. داود جوانی، نماینده کارفرمایان در "شورای عالی کار" اعلام کرد که سومین جلسه "شورای عالی کار" با دستور کار حداقل دستمزد و تعیین سبد معیشتی کارگری برای سال آینده، روز چهارشنبه ۲۳ اسفند بدون نتیجه به پایان رسید. به گزارش خبرگزاری فارس او افزود: "چون بین گروه کارگری و کارفرمایی توافقی در مورد سبد معیشت حاصل نشد، قرار شد جلسه بعدی مستقیم روی حداقل دستمزد کارگران بحث شود." علی رضا میرغفاری، عضو شورای عالی کار نیز درباره این جلسه به خبرگزاری کار ایران (ایلنا) گفت: "هیچ پیشرفتی در تعیین حداقل دستمزد و سبد حداقل معیشت با وجود اختلافات موجود طی مذاکرات صورت نگرفت." او افزود: "روی گروه کارگری در شورای عالی کار به صورت دو به یک (طرف کارفرمایی و دولت در برابر گروه کارگری) فشار سنگینی وجود دارد و مذاکرات به سختی پیش می رود." شورای عالی کار سه شنبه شب نیز جلسه بدون نتیجه ای برگزار کرده بود. محسن باقری، عضو شورای عالی کار و کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار ضمن بی نتیجه خواندن جلسه سه شنبه شب، گفت: "روی مباحثی مثل بُعد خانوار به میزان ۳,۳ نفر، میزان کالری مورد نیاز در بسیاری از اقلام و مواردی از این دست توافق صورت گرفته است. اما اختلاف به وجود آمده میان قیمت پیشنهادی طرف کارگری و قیمت سبد پیشنهادی دولت



همزمان روشن شد که اگر در جوامع متروپل سرمایه داری، اتحادیه های کارگری در چهار چوب پارلمانتاریسم بورژوائی میدان بازی و قدرت چانه زنی دارند، در جمهوری اسلامی حتی همین نوع اتحادیه ها نیز اجازه حضور ندارند. اینجا خودشان می برند، خودشان می دوزند و تازه همین دست دوزشان را هم در عمل دور می زنند. بورژوازی و دولتش در اینجا آشکارا و به هزار زبان می گویند که کارگر "خاموش و ارزان" می خواهند. به گلوله بستن کارگران، به بند کشیدن و شکنجه رهبران و فعالین کارگری و شلاق زدن بر بدن کارگران، بیکار سازی آنان، ایجاد تشکل های زرد و سرکوبگر جهت مقابله با تشکل های مستقل کارگری نمونه هایی از سیاست "کارگر خاموش" است. آنچه هم مرتبط به "کارگر ارزان" است، فقر جانسوزی است که بر میلیونها تن از آنان تحمیل کرده اند. روزی به بهانه عدم بارآوری، روزی به خاطر تورمی که سیاست های اقتصادی دولت خوشان به بار آورده است، روزی به بهانه تحریم اقتصادی "شیطان بزرگ"، روزی به نام مزد منطقه ای، روزی به نام مزد توافقی و روزی به نام کرونا. از این رو اینجا دیگر دستمزد عقد قرارداد بین کارگر و کارفرما نیست. اینجا دولت به مثابه کلان سرمایه دار و با تکیه به قوه قهریه اش به میدان می آید و بنابراین زمانی که فعالین کارگری برای بدیهی ترین مطالبات به رسمیت شناخته شده جهانی سرکوب می شوند، دیگر صحبتی هم از عقد قرار داد بین کارفرما و کارگر نمی توان کرد. خود ترکیب "شورای عالی کار" که ارگان تعیین حداقل دستمزد است، آشکار می سازد که مصوباتش هدیه ای جز به فقر کشاندن میلیونها کارگر نخواهد بود. همه آمار و ارقام و گزارشات رسمی در طول سالیان گذشته نشان داده است که آنچه را که "شورای عالی کار" تحت عنوان حداقل دستمزد و در جریان چانه زنی های سه جانبه میان دولت، کارفرما و به اصطلاح نمایندگان کارگری به تصویب می رساند، چندین برابر زیر خط فقر بوده و "شورای عالی کار" بی شرمانه همه ساله این دستمزد چند مرتبه زیر خط فقر را به کارگران تحمیل میکند. اینجا دیگر با توجه به ارتش عظیم ذخیره کار، "شورای عالی کار" هیچگونه نگرانی از اینکه این دستمزد حتی هزینه باز تولید نیروی کار نیست را، ندارد. اینجا دیگر حداقل دستمزد آن چنان نازل است که کارگر نمی تواند با دریافت آن هزینه معیشت و به زبان دیگر حداقل امکانات زیستی خود را تأمین کند. و همین ارتش عظیم ذخیره کار سبب می گردد که میلیونها کارگر مجبور

شوند به نرخ بسیار کمتری از حداقل دستمزد به بیگاری تن در دهند و تازه می دانیم که همین دستمزد ناچیز هم به بهانه های مختلف ماه ها به عقب می افتد و کارگر مجبور است برای دریافت همین مزد ناچیز عقب افتاده، دست به اعتراض یزند و اگر سنبه اش پر زور باشد در اینصورت کارفرما مجبور می شود که آنرا قطره چکانی پردازد. و میدانیم که کم اتفاق نمی افتد که کارفرما با بستن کارخانه و یا کارگاهش خود را از به اصطلاح "شر" پرداخت مزدهای عقب افتاده رها ساخته است. اینکه "شورای عالی کار" بخود جرأت داده است که چنین تهاجمی را سازمان دهد، بیان توازن قوایی است که در جامعه به سود سرمایه داران و دولت آنان وجود دارد. اما هیچ دلیلی وجود ندارد که جمعیت میلیونی کارگران به این تهاجم تن در دهند. آنچه بسیار آشکار و روشن و واقعی است که حتی دورنمای افزایش نرخ تورم و ادامه بحران اقتصادی در سال پیشارو را نیز در نظر نگیریم، در این صورت این حداقل دستمزد نباید کمتر از سبد هزینه معیشت باشد، که تازه کارگران به زیر خط فقر پرتاب نشوند. بی جهت نیست که سندیکای واحد در بیانیه ای اعلام کرد که: "با وجود تورم افسار گریخته و افزایش نجومی هزینه های زندگی که حتی ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان هم دیگر برای یک خانواده چهار نفره مکفی نیست، میلیونها کارگر باید با دستمزدهای سه برابر زیر خط فقر گذران زندگی کنند که به هیچ عنوان قابل تدام نیست. تنها راه مقابله با این تهاجم به سطح معیشت و زندگی ما کارگران کشور اتحاد و اعتراض و تشکلات مستقل است. چهار تشکل مستقل کارگری دیگر نیز با انتشار بیانیه ای نوشتند که: "افرادی که در شورای عالی کار مشارکت دارند، نماینده سرمایه داران و حاکمیتی هستند که ۴۵ سال است با استثمار و سرکوب کارگران به گسترش فقر و تشدید نابرابری ها دامن زده اند و قدرت و ثروت و زندگی مجلل خود را از این راه به دست آورده اند. آنها هم از آمارها مطلع هستند و هم فقر و تنگدستی را به وضوح مشاهده می کنند. اما فقر و تیره روزی اکثریت جامعه و بی حقوقی آنها شرایط اساسی انباشت سرمایه و ثروت و انحصار قدرت سیاسی هستند". سپس ادامه دادند که "مسئله مزد تا هنگامی که نظام سرمایه داری بر جامعه حکمفرما باشد یکی از مسائل اصلی و دردناک توده کارگران خواهد بود. از این رو کارگران آگاه و دور اندیش نه تنها برای افزایش مزد و دیگر خواست های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کارگران مبارزه می کنند بلکه لازم است برای حل اساسی مسائل کارگران، هم در

زمینه اقتصادی و اجتماعی و هم در عرصه های سیاسی و فرهنگی به مبارزه متشکل، هدفمند و برنامه ریزی شده علیه نظام استثمارگر و ستمگر سرمایه داری و حامیان رنگارنگ آن و جلب وسیع ترین توده های زحمتکش به این مبارزه اهتمام ورزند. این یگانه راهی است که کارگران را قادر می سازد هم به خواست های فوری و هم به خواست های دراز مدت خود و اکثریت عظیم افراد جامعه دست یابند". لازمه این امر اما به حرکت در آوردن تمام پتانسیل موجود در جامعه است. این پتانسیل نه تنها باید کارگران شاغل در کارخانه و مؤسسات بزرگ صنعتی، بلکه همه کارگرانی را که در کارگاه های کمتر از ده نفره اشتغال دارند، تمام بازنشستگان و معلمان، تمام دانشجویان و دانش آموزان که نیروی کار ارزان فردا خواهند بود، تمام زنان سرپرست خانواده که در اکثر موارد بسیار کمتر از مردان مزد می گیرند، کولبران، سوخت بران و کودکان کار، همه آنها را که در بخش اقتصاد غیر رسمی نیروی کارشان به حراج رفته و از بهره گیری از کوچکترین قوانین کار و بیمه های اجتماعی محرومند و بالاخره ارتش میلیونی بیکاران را در بر بگیرد. بویزه در شرایطی که جنبش اعتراضی مردم گام های مهمی به جلو گذاشته و توازن قوای موجود در جامعه را به سود خویش تغییر داده و در شرایطی که رژیم شکست مفتضحانه ای در مضحکه انتخابات خورده است، این جمعیت گسترده و خانواده هایشان می توانند نیروئی باشند که سطح دستمزد را به سرمایه داران و دولت آنها تحمیل کنند. نباید منتظر تصمیمات شورای عالی کار ماند. این مبارزه را باید هم قبل از تصمیم گیری وهم بعد از تصمیم گیری آنان ادامه داد. نباید فراموش کرد که کلام آخر را توازن قوای طبقاتی در این عرصه از جنگ طبقاتی بین کارگر و صاحبان سرمایه و دولت آنان خواهد زد. میدانیم که جنبش کارگری هم به یمن مبارزات چند سال گذشته خود و هم به یمن وجود یک نسل از رهبران و فعالین با تجربه و آگاه و هم به یمن وجود شرایط انقلابی در جامعه در توازن قوای بسیار مناسب تری نسبت به سال های گذشته قرار دارد. از این رو مبارزه برای افزایش دستمزد و ایجاد یک جنبش سراسری برای افزایش دستمزدها فرصت بسیار مناسبی است که می تواند میلیونها انسان را به خیابان کشانده و شرایط را برای تعمیق بخشیدن به تحولات جامعه و زمینه را برای اعمال رهبری طبقه کارگر مهیاتر سازد.

سوم فروردین ۱۴۰۳

بیست دوم مارس ۲۰۲۲



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

مصوبه دستمزد ۱۴۰۳

تشدید تهاجم سرمایه داران به سفره خالی کارگران!



فقدان این عمل مستقل، دولت و کارفرمایان حتی همین سطح دستمزد را نیز به بیشتر کارگران مشمول قانون کار هم نمی پردازند و روند تشدید فقر، رقابت، بیکاری و ناامنی کارگر گسترش می یابد. کارگران ناچارند راساً و بعنوان لنگر رفاه همگانی وارد عمل شوند. در این مسیر، توده های میلیونی کارگر و زحمتکش شهری که زیر بار فقر و گرانی کمرشان شکسته است، از حامیان جنبش افزایش دستمزدها و حقوق پایه برای همه آحاد جامعه و خانواده بزرگ کارگری اند. چرا که کارگران یک زندگی درخور شأن انسان را برای همه می خواهند.

سرنگون باد

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۲۱ مارس ۲۰۲۴
۲ فروردین ۱۴۰۳

امضا:

اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



چه با حضور نمایندگان واقعی کارگران و چه بی حضور آنان- همواره با اکثریت دو رای نمایندگان دولت و کارفرما جنبه قانونی می گیرد، از این رو، نمایش به اصطلاح رشادت نمایندگان قلابی کارگران در امضا نکردن این مصوبه، صرفاً برای ایجاد شبهه میان کارگران و کنترل حرکت و اعتراضات پیش رو و آتی آنان است. کارگران اساساً این نهاد و اجزای متشکله ضد کارگری اش را برسمیت نمی شناسند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست مصوبه دستمزد سه برابر زیر خط فقر را محکوم کردن کارگران به زندگی در خط مرگ قلمداد می کند. کارگران قطعاً در مقابل این زالوهای اسلامی ساکت نخواهند نشست و پاسخ دولت سرمایه داران را با تشدید اعتراض و اعتصاب خواهند داد. ما تنها مرجع صلاحیتدار برای تعیین دستمزدها را نمایندگان واقعی و منتخب کارگران می دانیم. طبقه کارگر برای جبران چند دهه تحمیل فقر و دستمزدهای ناچیز، برای درهم شکستن سیاست تشدید فقر دولت و کارفرمایان، ناگزیر است راساً با عمل اعتراضی و اعتصابی خود برای افزایش دستمزدها تلاش کند و جنبشی واقعی را برای افزایش دستمزد براساس خط رفاه، خط زندگی مناسب و ضروری در جامعه امروز سازماندهی کنند. از نظر کارگران حداقل دستمزدها باید بالای خط فقر و جوابگوی نیازهای یک زندگی مرفه و انسانی باشد. از نظر کارگران، این دستمزد باید مبنای حقوق کارکنان و بازنشستگان و کارکنان بخش خدماتی، کارگران بیکار و غیره شود. بعبارت دیگر یک حداقل دستمزد و حقوق پایه مکفی و جوابگو، می بایست برای همه افراد تضمین شود. شورای همکاری از کارگران پیشرو، رهبران عملی و شبکه های کارگری، مجامع عمومی و تشکل های مستقل کارگران می خواهد که در صنایع و مراکز مختلف تولیدی و خدماتی نمایندگان خود را تعیین و برای افزایش دستمزد مورد نظر دست به اقدام عملی بزنند. نفی مصوبه فلاکتبار مزدی، تنها با عمل مستقیم و گسترش اعتراض و اعتصاب کارگران ممکن است. در

نهاد دولتی - کارفرمایی «شورای عالی کار» در آخرین روز اسفند ۱۴۰۲ مصوبه ۳۵ درصد افزایش دستمزدهای پایه را برای سال ۱۴۰۳ اعلام کرد. این افزایش حتی نرخ تورم جعلی اعلام شده بانک مرکزی را پوشش نمیدهد و هزینه واقعی زندگی فاصله زیادی با دستمزد پایه هفت میلیونی دارد. تأمین هزینه زندگی حداقلی در کلان شهرها و شهرهای بزرگ بالای سی میلیون است و در شهرهای کوچکتر نیز با کمتر از بیست و پنج میلیون مقذور نیست. علاوه بر این شوک های اقتصادی خاموش و پلکانی از جمله گرانی نان و برق و احتمالاً بنزین در سال جدید، کاهش مستمر ارزش ریال و پرداخت هزینه ها به دلار، مستقیم و غیرمستقیم قدرت خرید کارگران را مرتباً کاهش میدهد و درصد ناچیز اضافه شده به دستمزدها در همان ماه اول توسط تورم بلعیده میشود. مسئله ابداً بر سر عدم اطلاع و درک حکومت و سرمایه داران از هزینه ها، خط فقر، نرخ تورم، میزان فلاکت، گرانی و گرسنگی مردم نیست. سیاست بورژوازی ایران ارزان سازی نیروی کار و تداوم تهاجم به سفره طبقه کارگر با هدف تأمین افزایش سهم سرمایه دار از ثروت تولید شده و افزایش سود سرمایه است. برای این کار باید ارزش نیروی کار کارگر، دستمزدها و مزایای مربوطه و کلاس سطح زندگی کارگران کاهش یابد. این یعنی زنده نگاه داشتن و بازتولید نیروی کار به ارزانتترین شکل ممکن. کارگران نیز بدلیل ممنوعیت تشکلهای سازمانهای توده ای و حزبی خود، اصولاً در روند تعیین دستمزد، نمایندگی نمی شوند و کمترین نقشی در تعیین دستمزدها نداشته اند. لذا، مصوبات نهاد ضد کارگری «شورای عالی کار» برای کارگران اعتبار نداشته و ندارد. در این میان اگرچه ضلع سوم شورای کارفرمایی-دولتی یعنی «نمایندگان کارگران» مصوبه را امضا نکردند، اولاً این افراد نه «نماینده» کارگر، که عامل و طرفدار کارفرما و دولت در میان کارگرانند. ثانیاً در این شورا حتی اگر نمایندگان واقعی کارگران نیز حضور می داشتند، از آنجا که مکانیسم اجرایی «شورای عالی کار» بر مبنای سه جانبه گرایی است و مصوبات آن

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت نوروز و سال نو ۱۴۰۳

شد، نشان داد که یک پای اصلی هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران است و پتانسیل این را دارد که نیروی کارگران و زحمتکشان را سازمانیافته تر به میدان آورد. گسترش و تحکیم پیوند این جنبش های پیشرو اجتماعی می تواند زمینه ساز تدارک اعتصابات سیاسی توده ای در سراسر ایران باشد. اعتصابات سیاسی توده ای که اعتصابات کارگری ستون فقرات آن را تشکیل دهد، می تواند انسجام صفوف نیروهای مسلح و سپاه پاسداران را در هم کوبد، شکاف درون صفوف این نیروها را عمیق تر کرده و قدرت سرکوب آن را زمینگیر کند و زمینه های سازمانیابی قیام و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی فراهم آورد. تازمانی که جنب و جوش و مبارزه وجود دارد و امید به تغییر در دلها زنده است، پیروزی در چشم انداز است. حزب کمونیست ایران نوروز و سال نو و این جنبش پرشور و همبسته و سرشار از زندگی را به همه مردمانی که آن را جشن می گیرند، به خانواده جانباختگان راه آزادی، به مادرانی که بذر آزادی کاشتند، به زندانیان سیاسی که سلول های زندان را نیز به سنگر مبارزه علیه رژیم جهل و خرافه سرمایه جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند، تبریک می گوید. دور نیست آن روزی که با به هم پیوستن جویبارهای مبارزه و انقلاب، دروازه زندانهای حکومت اسلامی سرمایه داران توسط قیام کنندگان درهم شکسته شوند و زندانیان سیاسی همراه با خانواده هایشان و قیام کنندگان پیروزی را در آغوش بکشند و آزادی و برابری و رفاه همه انسانها را نوید دهند.

بهارتان خجسته و نوروزتان پیروز باد

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۸ اسفند ۱۴۰۲

۱۸ مارس ۲۰۲۴



دادند که با جنبش های خود انگیزه، در غیاب سازمانیابی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و در نبود یک رهبری سیاسی انقلابی و سراسری که چشم انداز روشنی از مسیر پیشروی، پیش روی جنبش آزادیخواهانه و انقلابی مردم ایران قرار داده باشد، پیروزی بر دشمن کار ساده ای نیست. این تحولات و به ویژه جنبش انقلابی ژینا بیش از هر زمانی دیگری آگاهی به ضرورت سازمانیابی و شکل دادن به رهبری سیاسی سراسری را در ابعاد گسترده به درون جنبش های اجتماعی برده است. طبقه کارگر ایران به رغم مانع سرکوب، فقر ساختاری و بی سابقه، ناامنی شغلی و دیگر موانعی که سر راه دارد می تواند با تکیه بر دستاوردهای مبارزاتی تاکنونی خود بر این موانع غلبه کند. وجود کمیته های کارخانه، کمیته های اعتصاب، برپایی مجامع عمومی و پا به میدان گذاشتن طیف گسترده ای از فعالین و پیشروان جنبش کارگری با رویکرد شورایی ظرفیت های جنبش کارگری برای غلبه بر این موانع را نشان می دهد. حضور برجسته زنان در جنبش اعتراضی بازنشستگان و معلمان به عنوان بخشی از جنبش کارگری و در جنبش دانشجویی و نقش آنان در سازمان سراسری و رهبری این جنبش ها بیانگر ظرفیت های بالای جنبش زنان در امر سازمانیابی است. جنبش رهایی زنان در مسیر پیشروی خود می تواند نیروی عظیم زنان کارکن و زحمتکش را به طور سازمانیافته به میدان آورد. جنبش دانشجویی در یک دهه و نیم گذشته و به ویژه در یک سال و نیم اخیر ظرفیت های برجسته ای در زمینه سازمانیابی و همبستگی با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی از خود بروز داده است. جنبش انقلابی کردستان تاریخا و اینبار که با حضور پر رنگ خود در جنبش انقلابی سراسری به چشم و چراغ مردم ایران تبدیل

بهار این نماد سرزندگی، زایش و حرکت طبیعت در حالی فرامی رسد که رژیم جمهوری اسلامی به رغم گرفتن جان های بی شمار و ربودن نان از سفره فرودستان و تحمیل رنج های فراوان نه تنها نتوانسته مردم را مرعوب کند، بلکه شور و سرزندگی، همبستگی مبارزاتی و امید به زندگی بهتر همچنان در دل ها شعله می کشند. نوروز و سال نو در حالی فرا رسیده اند که در ادامه جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، اعتصابات و اعتراضات شکوهمند کارگران، رزم بازنشستگان در کف خیابان، به شکست کشاندن مضحکه های انتخاباتی رژیم، پیشتازی زنان در این کارزارها و در به عقب راندن اجبارهای حکومتی، برپایی جشن های پرشور نوروزی، همه اینها امید به سالی دگرگونه را در قلب آزادیخواهان و توده های مردم قوت بخشیده است. اگر آمدن بهار نشانه ذوب شدن یخ ها و گذار از دوره یخبندان و سرمای زمستان است، تداوم جنب و جوش و مبارزه در عرصه های مختلف حیات اجتماعی و تحول عظیمی که در آگاهی توده ها ایجاد شده بیانگر آن است که عبور از یخبندان حکومت اسلامی سرمایه داران و بنیان نهادن جامعه ای آزاد و برابر و مرفه بر ویرانه های آن ممکن است. اگر به آینه دشمن نگاه کنیم، قدرت همبستگی و تسلیم ناپذیری توده های فرودست جامعه علیه ظلم و زور و نابرابری ها را در سیمای بحرانی دشمن، در تفرقه ای که در صفوف آنان ایجاد شده است و در لرزه ای که به دل سران رژیم نشسته است، می بیند. نوید پیروزی را می توان در چهره هراس زده دشمن نیز مشاهده کرد. اما برای کسب پیروزی و ساختن جهان دگرگونه باید ملزومات آن را فراهم آورد. خیزش های سراسری سالهای اخیر و جنبش انقلابی ژینا به رغم تمام جانفشانی ها و شکوه و عظمت و دستاوردهایی که داشتند، نشان



شماره ۴۴۸ پیشرو نشریه

کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!



پیام کمیته مرکزی کومه له به مناسبت نوروز و آغاز سال ۱۴۰۳

مردم مبارز و آزادیخواه کردستان!

گرمترین درودها و شادباشها را به مناسبت فرارسیدن نوروز و آمدن بهار و آغاز سال نو، نثارتان می‌کنیم. برای همه شما عزیزان سالی سرشار از شادی و کامیابی آرزو داریم. امیدواریم سال تازه سال موفقیت و پیروزی بر حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی باشد. جا دارد به همین مناسبت بار دیگر یاد و خاطره همه کودکان، زنان و مردان عزیزی که در جنبش انقلابی ژینا در راه آزادی و رهایی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در کف خیابانها به خاک و خون افتادند و یا در زندانها اعدام گردیدند را گرامی بداریم. به خانواده‌های سرفرازشان درود می‌فرستیم و اطمینان می‌دهیم که یاد و خاطره عزیز جگرگوشگان جانباخته شان همیشه جاودان خواهد ماند. فرا رسیدن نوروز و سال جدید را به همه زندانیان سیاسی در کردستان و سراسر ایران تبریک و شادباش می‌گوئیم. شما مردم مبارز و آزادیخواه می‌دانید که این عزیزان به جرم دفاع از آزادی و حقوق انسانی خود و هم سرنوشتانسان در بند حکومت اسلامی اسیرند. زندانیان سیاسی بخشی از پیشکسوتان جنبش انقلابی سراسری هستند که در دل توده‌های مردم ستمدیده و محروم جامعه جا گرفته‌اند. بدون شک دور نیست آن زمان که با پیروزی پیروزی انقلاب، در زندانهای رژیم توسط مردم قیام کننده شکسته خواهد شد، عزیزان زندانی سیاسی را به مثابه قهرمانان آزادی در آغوش خواهیم کشید و آنان با افتخار و گردنی افراشته به کانون گرم خانواده باز خواهند گشت.

مردم مبارز!

استقبال و مشارکت پیشاپیش امسال شما زنان و مردان آزادیخواه و مبارز کردستان از نوروز در ابعاد دهها هزار نفری در شهرها و روستاهای کردستان، دست در دست و شانه به شانه هم با رقص و شادی و پایکوبی، با دور انداختن حجاب اسلامی بسیار شورانگیز بود. این بخشی از نمایش قدرت شما در مقابل رژیم جهل و خرافه و بیانگر تغییر توازن قوا به نفع جبهه مبارزات شما مردم در مقابل حکومت اسلامی است. مراسمهای توده‌ای نوروزی حامل پیامهای سیاسی و مبارزاتی بود؛ پیام تداوم جنبش انقلابی تا سرنگونی جمهوری اسلامی را با خود دارد که در شعار "زن زندگی"

آزادی" و آواز و سرودخوانیهای انقلابی، تبلور یافته است؛ پیام استقامت و پایداری شما در برابر قوانین پوسیده حکومت اسلامی است که ۴۵ سال است با فریب و نیرنگ و با سرکوب و دیکتاتوری در تلاش است تا خرافه و عزا و نوحه و گریه و زاری را در مقابل شادی و شور و شعف شما به فرهنگ جامعه تحمیل نماید. برگزاری مراسمهای باشکوه نوروزی امسال در کردستان طی سه هفته گذشته و تحت فضای به شدت امنیتی، نشانه ناکامی حکومت اسلامی در حاکم ساختن فضای رُعب و وحشت در کردستان است؛ نشانه شکست فرهنگ و قوانین قرون وسطایی اسلامی در مقابل فرهنگ پیشرو و مترقی جامعه است. در همین مدت، "نه"ی قاطع شما مردم مبارز کردستان به جمهوری اسلامی و خلوت گذاشتن اطراف صندوقهای رأی در نمایش انتخابات، ضربه کاری و شکست دیگری برای رهبران و سران رژیم اسلامی بود. شما مردم مبارز بار دیگر اعلام کردید که رأی شما فقط سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی است. شکست مفتضحانه رژیم در مضحکه انتخاباتی این دوره از قبل آشکار بود. تا جایی که بسیاری از تشکلهای سیاسی، مدنی، صنفی و هنری در داخل حتی بسیاری از مهره‌های شاخص جمهوری اسلامی از جمله محمد خاتمی نیز در تلاش برای تبری خود، از رفتن پای صندوق رأی خودداری کردند. چنین نتیجه فضاقت باری در مضحکه انتخابات، بار دیگر بر عدم مشروعیت حکومت اسلامی از جانب مردم صحه گذاشت.

کارگران توده‌های مردم زحمتکش

و ستمدیده کردستان!

اینک در شرایطی به پایان سال و فرارسیدن نوروز می‌رسیم که بحران اقتصادی رژیم عمیق‌تر شده است. درحالی که هزینه سبد معیشتی یک خانوار از ۳۰ میلیون تومان گذشته و آمار مراکز مالی خود رژیم نرخ تورم را بالای ۴۰ درصد اعلام کرده‌اند، دولت ورشکسته رئیس قاتل افزایش ۱۸ و ۲۰ درصدی به حداقل دستمزدها را در نظر گرفته است. این امر با توجه افزایش بیش از ۷۰ درصدی قیمت کالاهای حیاتی مورد نیاز روزانه و سقوط بیشتر ارزش ریال، به معنای دستمزد بیش از چهار مرتبه زیر خط فقر و خالی تر شدن سفره شما خواهد بود. تا کنون رژیم کارگرسز جمهوری

اسلامی هرگونه اعتصاب و اعتراضات به حق شما برای افزایش دستمزدها را با گلوله و زندان و شکنجه پاسخ داده شده است. جمهوری اسلامی می‌خواهد بحران عمیق اقتصادی خود را با دستبرد زدن به جیب و سفره خالی شما کارگران و مردم تهیدست و ستمدیده برطرف نماید. به این ترتیب امسال نیز شما کارگران و تهیدستان جامعه قادر به تأمین یک وعده غذایی مناسب بر سر سفره نوروزی نخواهید بود؛ نخواهید توانست امکانات زیستی و تحصیلی و بهداشتی برای جگرگوشه گانتان فراهم کنید؛ در آستانه نوروز کودکان شما از داشتن لباس و کفش نو و دیگر امکانات بازی رفاهی محروم و بی بهره هستند. بدون شک شما نیز از این شرایط نا بسامان مالی که جمهوری اسلامی برای شما و فرزندانان بوجود آورده است، در رنج و عذاب هستید. این درحالی است که خامنه ای و دیگر رهبران حکومت اسلامی و آقازاده‌ها زندگی فرعون‌ی دارند و با دستبرد زدن به حاصل رنج و کار شما در رفاه و آسایش به سر می‌برند. در چنین فضایی از دزدی و فساد و رانت خواری، اعتراضات شما به وضعیت فلاکت بار زندگی از سوی رژیم اغتشاش و دسیسه دولتهای خارجی نامیده می‌شود؛ اعتراضات معلمان و بازنشستگان شریف به وضعیت وخیم مالی خود نیز به دشمن خارجی نسبت داده می‌شود و بر اساس آن برایشان پرونده‌های امنیتی تشکیل می‌دهند. اعتراضات دانشجویان و پرستاران را برهم زدن آنچه خود "تبات و امنیت" ملی می‌نامند، مورد حمله و یورش قرار می‌دهند. اما در حقیقت این رهبران و سران حکومت اسلامی هستند که نیروهای سرکوبگر و جاسوسان طلبه و بسیجیان اوباش و مزدور را به جان مردم انداخته، آسایش، امنیت و حریم خصوصی مردم را لگدمال می‌کنند. جاسوسی و فیلم گرفتن یک آخوند از مادر مبارزی که هفته گذشته در درمانگاهی در قم روی داد، مصداق بارز ایجاد نا امنی و دخالت در زندگی خصوصی انسانها از جانب جمهوری اسلامی بود. البته آن نیز به رسوایی دیگری برای حکومت اسلامی تبدیل گردید. رفقای مبارز و فعالین و پیشروان سوسیالیست! اینک جمهوری اسلامی در بحرانی ترین موقعیت و در بن‌بست کامل قرار دارد.

هیچ پاسخی برای مطالبات کارگران و

پیام شادباش شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

به مناسبت آغاز سال جدید ۱۴۰۳ خورشیدی



روزی بهار انقلاب، زمستان جمهوری اسلامی را ذوب خواهد کرد!

مراسم شب چهارشنبه سوری از کران تا کران ایران دیدیم، مردم با شعار آزادی، مرگ بر دیکتاتور و رقص و پایکوبی نشان دادند که عزم شان برای به گور سپردن حاکمیت تئوکراتیک، خلل ناپذیر است و در سراسر ایام نوروز و به هر مناسبت دیگری تداوم خواهد داشت. متأسفانه رشد فزاینده فقر، گرانی و تورم که به بهانه رمضان و عید نوروز، افزونتر هم شده است، مانع از آن می شود که اکثریت عظیم اردوی کار و رنج، بتوانند حداقل های لازم را برای خود و خانواده خویش فراهم کنند. از اینرو بیش از هر زمان، به اهمیت پیوند شادی با رزم و مبارزه رسیده اند. این پیوند استراتژیک، شرایط مناسبی را برای رشد گفتمان سوسیالیستی فراهم می کند که صرفاً در پی "رژیم چنج" نیست بلکه می خواهد استبداد و سرمایه داری را توأمان به گور بسپارد، تا شاهد استقرار حداکثر آزادی و برابری باشیم. با امید به عروج مجدد خیزشهای مردمی و انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر، آغاز نوروز، بهار و سال جدید را به مردمان سراسر ایران و همه مردمانی که در منطقه و سراسر جهان، آن را جشن می گیرند، شادباش می گوئیم.

ایام تان به کام و بهارتان خجسته باد!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۱۷مارس ۲۰۲۴، ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

امضا: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیتست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



زحمتکشان ندارد. قادر به ایجاد هیچ بهبودی در اوضاعی اقتصادی و معیشتی آنان نیست. افزایش ۷۵ درصدی اعدامها طی سال گذشته و تنگتر کردن بیشتر حلقه مافیای قدرت در نمایش انتخاباتی اخیر به منظور یکدست کردن بیشتر، دلیل وحشت و نگرانی آنان از بروز یک برآمد توده‌ای سازمانیافته و سراسری است. اما افزایش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای در این دوره، پیش درآمد بروز برآمد توده‌ای دیگری است که منجر به یک انقلاب اجتماعی و سرنگونی حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی خواهد شد. ایفای نقش رهبری شما در تلاش برای گستراندن هرچه بیشتر افق سوسیالیستی در میان زنان و مردان کارگر و زحمتکش و تلاش برای سازماندهی کمیته ها و شوراهای محلات و تشکیل سازمانها توده‌ای و طبقاتی در میان آنان، از جمله اقدامات ضروری در جهت رفع ضعف ها و کمبودهایی است که تا کنون مانع پیشرفت و پیروزی بوده اند.

ما بار دیگر فرارسیدن نوروز را به همه شما مردم مبارز کردستان و سراسر ایران شادباش می گوئیم و برایتان آرزوی پیروزی نهایی در نبرد علیه حکومت دیکتاتور و سرکوبگر جمهوری اسلامی داریم.

کمیته مرکزی کومه له
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران
فروردین ۱۴۰۳
مارس ۲۰۲۴



در حالی که استقبال نوروز، بهار و سال جدید خورشیدی می رویم که علیرغم سرکوب فاشیستی و هولناک جنبش انقلابی زن زندگی آزادی در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ و نیمه اول سال ۱۴۰۲، کماکان مقاومت، نافرمانی و مبارزه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب ایران، در اشکال مختلف ادامه دارد. هر روز، هزاران زن شجاع و معترض به حجاب و آپارتاید جنسی - جنسیتی، در سراسر کشور، احکام شرعی ارتجاع حاکم را به چالش می گیرند و به شیوه های مختلف، پایداری خود را بر آرمان "زن زندگی آزادی" اعلام می کنند. جنبش کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان و و و علیه بی حقوقی، گسترش فقر و نابرابریهای طبقاتی و علیه رژیم استبدادی و سرمایه داری جمهوری اسلامی، در سراسر ایران ادامه دارد و روز بروز پژواک وسیع تری پیدا میکند. اکثریت عظیم مردم با تحریم مضحکه انتخاباتی اخیر رژیم (که خود سردمداران حکومت، از بی سابقه بودن شکست انتخاباتی شان سخن گفتند) نشان دادند که در جستجوی رهایی، مسیری جز سرنگونی کلیت رژیم مبتنی بر غارت و جنایت از طریق یک انقلاب اجتماعی نمی شناسند. اما مبارزه برای آزادی، برابری و کرامت انسانی، تنها دلیل نبرد مردم با رژیم نیست. آنها به خوبی می دانند که این رژیم به شدت از شادی و علاقه اکثریت مردم به ویژه جوانان به یک زندگی آزاد به دور از استبداد و استثمار و دست اندازی مذهب و شریعت، واقف هستند، از اینرو در سراسر کشور، سپاه و عوامل سرکوب را بسیج کرده اند که مبادا مردم در ایام نوروز، که امسال با ماه مطلوب رژیم "رمضان" مقارن شده است، احکام پوسیده فقه و شریعت اسلامی را نقض کنند. اما همانطور که در

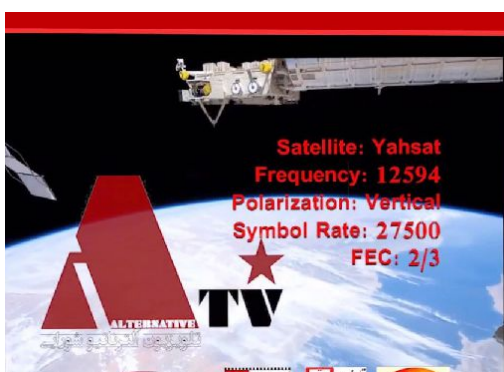
● تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند-



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در محکومیت عملیات تروریستی در مسکو



بنا به گزارش خبرگزاری ها شامگاه جمعه ۳ فروردین برابر با ۲۲ مارس گروهی از افراد مسلح به روی جمعیت حاضر در سالن کنسرت کروکوس واقع در غرب مسکو آتش گشوده که در نتیجه آن بیش از ۲۰۰ نفر جان خود را از دست داده و یا زخمی شدند. بنا به گزارش ها حداقل پنج فرد نقاب پوش با سلاح های خودکار به روی جمعیت آتش گشوده اند. ویدئو کلیپ های منتشره آتش سوزی ناشی از پرتاب بمب های آتش زا و تلاش جمعیت برای نجات از این فاجعه دردناک را نشان می دهند. «کمیته تحقیقات روسیه» در بیانیه ای اعلام کرده که در جریان این عملیات تروریستی دست کم ۱۱۵ نفر کشته و بیش از ۱۴۰ نفر زخمی شده اند. بنا به گزارش رئیس سرویس امنیت روسیه «چهار نفر که مستقیماً در این حمله دخیل بودند در میان یازده نفر بازداشت شده، هستند». در پی انجام این عملیات تروریستی تدابیر امنیتی در سراسر روسیه تشدید شده است، برگزاری مراسم و رویدادها لغو شده و نیروهای امنیتی و پلیس در حال آماده باش هستند. در همان حال گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) مسئولیت این حمله را برعهده گرفته است. در بیانیه داعش آمده است: «جنگجویان دولت اسلامی به تجمع بزرگ مسیحیان در شهر کراسنوغورسک در حومه مسکو، پایتخت روسیه حمله کردند، صدها نفر را کشته و زخمی کرده، ویرانی های زیادی به بار آورده و سالم به پایگاه های خود عقب نشینی کردند». جنایت هولناکی که در تالار کنسرت کروکوس انجام گرفت، یادآور عملیات تروریستی داعش در سالن «باتاکلان» پاریس در شامگاه جمعه ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ است. در آن زمان تروریست های اسلامی جمعیت حاضر در سالن «باتاکلان» را به گروگان گرفته و در اوج قساوت و بی رحمی با فریادهای الله و اکبر این مردم بی دفاع را به رگبار بسته و قتل عام می کردند.

این حمله مرگبار داعش که اینبار شهروندان بی دفاع مسکو را هدف قرار داد و مردم روسیه را در بهت و وحشت فرو برد، خشم و انزجار

سیاست های نژاد پرستانه و مهاجر ستیزانه خود تبدیل کنند. مردم عادی در کشورهای مسلمان نشین روزانه قربانی جریان های تروریسم اسلامی هستند، نباید گذاشت شهروندان مسلمان در روسیه و یا هیچ گوشه ای از جهان نیز به قربانی خشونت جریان های راست گرای افراطی تبدیل شوند. جریان های ترقی خواه در روسیه با در نظر گرفتن این حقیقت ساده که بین گروه های تروریستی اسلام سیاسی که ظهور آنها در چند دهه اخیر محصول تشدید رقابت قدرتهای سرمایه داری امپریالیستی بوده است، با شهروندان مسلمان این کشور تمایز اساسی وجود دارد، نباید بگذارند که واقعه تروریستی شامگاه ۲۲ مارس به بهانه ای برای ایجاد ناامنی و اعمال خشونت علیه شهروندان مسلمان از جانب جریان های نژاد پرست تبدیل گردد.

حزب کمونیست ایران ضمن محکوم کردن عملیات تروریستی ۲۲ مارس در سالن کنسرت کروکوس - مسکو، همراه با انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در سراسر جهان همدردی عمیق خود را با بازماندگان این فاجعه تروریستی و مردم مسکو اعلام می دارد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۳ مارس ۲۰۲۴

۴ فروردین ۱۴۰۳



حزب در شبکه های اجتماعی

-  Peshraw Cpiran
-  Peshraw Cpiran
-  Peshraw Cpiran
-  Peshraw Cpiran

مردم آزادیخواه در سراسر جهان را برانگیخته است. این جنایت تروریستی گروه اسلامی داعش بار دیگر افکار عمومی در سراسر جهان را متوجه ابعاد فجایعی می کند که هر روزه توسط دولت ها و جریان های اسلامی در کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و برخی دیگر از نقاط جهان بوقوع می پیوندند. رژیم جمهوری اسلامی به عنوان پایگاه اصلی اسلام سیاسی در خاورمیانه که به کمک دولت های سرمایه داری غرب به قدرت رسید و اکنون هم پیمان دولت روسیه است ۴۵ سال است علیه مردم ایران و منطقه جنایت می آفریند. اردوغان فاشیست رئیس حزب اسلامی حاکم در ترکیه در طی همین مدت و در سایه سکوت رسانه ها و با چراغ سبز آمریکا بارها زیرساخت های اقتصادی و خدماتی در کردستان سوریه را بمباران کرده و صدها نفر از مردم کردستان را کشته، زخمی و آواره کرده است. حکومت طالبان که در توافق با دولت آمریکا و ناتو دوباره به قدرت رسیده است آشکارا یکی از خشن ترین نظام های آپارتاید جنسیتی را علیه زنان، علیه نیمی از جامعه در افغانستان اعمال می کند. حکومت سلطنتی عربستان سعودی داعش را به بازوی مسلح خود در بحران سوریه تبدیل کرده بود. هیچ روزی نیست که در یکی از کشورهای افغانستان، سوریه، ایران، عراق، ترکیه یا لیبی ده ها و صدها انسان بی دفاع قربانی تروریسم گروه های اسلامی یا تروریسم دولت های حاکم نشوند. فجایع انسانی ناشی از عملیات های تروریستی در سوریه و افغانستان چنان به امری روزمره تبدیل شده است که خبرگزاری ها با اکراه اخبار مربوط به این وقایع را در ردیف اخبار خود جای می دهند. ملت ستمدیده فلسطین و کودکان فلسطینی هر لحظه قربانی نسل کشی و طعمه تروریسم هار دولت نژادپرست اسرائیل به بهانه مقابله با تروریسم سازمان اسلامی حماس هستند.

اکنون در شرایطی که موجی از خشم و انزجار علیه جنایت تروریست های اسلامی بر فضای سیاسی روسیه حاکم شده است، پاسداری از ارزش های پیشرو و روح همبستگی انسانی حکم می کند که سازمان ها، نهادها و انسانهای آزادیخواه نگذارند که جریان های راسیستی و احزاب و نیروهای راست گرای حاکم، این جنایت تروریستی را به بهانه ای برای تشدید

برای مقابله با سیاست های مرگبار دولت های سرمایه داری علیه مهاجران متحد شویم!

اجتماعی را کاهش داده و مزایای اجتماعی را قطع میکنند. از طرف دیگر همین سرمایه داران و دولت‌های‌شان با استفاده از کار ارزان مهاجران و تحمیل شرایط سخت کاری، دستاوردهایی را که طبقه کارگر این کشورها با مبارزات صد ساله خود تامین کرده اند را مورد حمله و در لبه نابودی قرار داده اند. این دولت ها با تلاش برای رو در روی هم قرار دادن طبقه کارگر این کشورها و کارگران مهاجر و با گسترش هیستری مهاجر ستیزی راه به قدرت رسیدن نیروهای فاشیستی و راسیستی را هموار میکنند. شعارها و تنفر پراکنی نیروهای راست و راست افراطی و فاشیستی علیه پناهندگان و مهاجران، در واقع پاسخ طبقه حاکمه به خیز دوباره مبارزات کارگری در سطح جهان بخصوص اروپا و آمریکا است. این نیروها تلاش دارند با مسموم کردن فضای جامعه و برانگیختن احساسات ناسیونالیستی و راسیستی جامعه، از اعتراضات فزاینده مردم و تبدیل شدن موج در حال رشد مبارزات کارگران به چالشی برای نظام پوسیده سرمایه داری جلوگیری کنند. اما آنچه مسلم است این است که کارگران در این کشورها دریافته اند که هم آنها و هم مهاجران و پناهندگان قربانی یک سیاست هستند و آنها سیاست جنگ افروزی و استثمار و غارت دولتهای مختلف سرمایه داری. تظاهرات میلیونی مردم در اروپا و آمریکا علیه کشتار مردم فلسطین در غزه توسط دولت فاشیستی و جنایتکار اسرائیل، تظاهرات میلیونی مردم آلمان در شهرهای مختلف این کشور و در طول چهار هفته علیه سیاستهای حزب "الترناتیو برای آلمان" که در واقع تنها علیه این حزب نبود بلکه علیه سیاستهای راست کل حاکمیت است، همچنین اعتراضات و اعتصابات کارگران در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا از جمله در فرانسه، آلمان، فنلاند و ایالات متحده، علیه سیاستها و اقدامات ضد کارگری دولتها و بازپس گیری دستاوردهای اقتصادی و دموکراتیک جامعه نشان می‌دهد که کارگران این کشورها میدانند که دشمن آنها و مقصر اصلی مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی آنها همین سرمایه داران و دولت‌های حامی آنها هستند و نه مهاجران و پناهندگان. آنها میدانند که درد مشترک و منافع طبقاتی مشترک با مهاجران دارند و از همین روست که بی‌توجه به شعارهای ضد مهاجرت نیروهای حاکم، مبارزات خود را علیه جنگ و نابرابری های اجتماعی همزمان پیش می‌برند.

حاکم سرمایه دار که در این کشورها در مقابل بحرانهای پی در پی اقتصادی و رشد مبارزات کارگران در اروپا و آمریکا علیه شرایط سخت کاری و زندگی قرار گرفته و جوابی برای این بحران و گرانی و فقر فزاینده ندارند، دلایل بدتر شدن شرایط زندگی کارگران در کشورهای خود را به دروغ ناشی از وجود پناهندگان و مهاجران در این کشورها و نه در سیاستهای ضد کارگری خود توضیح می‌دهند. این دولت ها با توسل به همین ریاکاری همه مسیره های امن را به روی پناهندگان برای رساندن خود به این جوامع را بسته اند. "قلعه اروپا" هر روز با گسترش دیوارها و سیم خاردارها و اردوگاه های غیر انسانی در خارج از مرزهای خود جان مهاجران بیشتری را با خطر مرگ و خشونت روبرو کرده است. سیاست مهاجر ستیزی دولت های اروپایی، سیاست قتل عمدی است برای جلوگیری از فرار پناهندگان از جنگ، ویرانی و بی‌آفتی که خود همین قدرتهای سرمایه داری بانی آن هستند. سیاستمداران و رسانه های سرمایه داری سعی دارند بحرانهای عمیق اقتصادی و اجتماعی خود را گردن مهاجران و پناهندگان بیاندازند و آنها را قربانی کنند ولی در واقع این مهاجران و پناهندگان هستند که قربانی سیاستهای امپریالیستی و جنگ افروزانه دولتهای بزرگ سرمایه داری هستند. مهاجرت دسته جمعی از کشورهای فقیر و جنگ زده نتیجه سیاستهای قدرتهای سرمایه داری و امپریالیستی به ویژه ایالات متحده آمریکا است. این قدرتها با دامن زدن به جنگ در مناطق مختلف جهان، با دخالت سیاسی و نظامی در امور کشورها و حمایت از حکومت های ارتجاعی، با تخریب محیط زیست و از بین بردن امکانات کشاورزی و زیستی در بسیاری از نقاط جهان و با تحمیل سیاستهای اقتصادی سخت و ظالمانه از طریق بنگاه‌های مالی خود مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول زندگی را برای اکثریت بشریت به ویژه در مناطقی چون خاور میانه و آفریقا و آمریکای لاتین به جهنمی بزرگ تبدیل کرده اند. در حالیکه این سیاستمداران ریاکارانه مشکل مسکن و بیکاری و کاهش خدمات اجتماعی را ناشی از مهاجرت جار میزنند، اما در واقع کمبود خدمات عمومی و فقر و گرانی فزاینده نتیجه مستقیم برنامه ها و سیاستهای طبقه حاکمه در این جوامع است که همزمان با کاهش مالیات ثروتمندان و دادن یارانه های چند میلیارد دلاری به بانکها و شرکت های بزرگ برای نجات آنها از بحران و افزایش هزینه های نظامی و تسلیحاتی، هزینه های

سازمان «اس‌اُس مدیترانه» روز ۲۴ اسفند برابر با ۱۴ مارس خبر داد که یک روز پیشتر ۲۵ مهاجر را در مدیترانه نجات داده و از این افراد دو نفر را که بیهوش بودند با هلی‌کوپتر به بیمارستانی در سیسیل فرستاده‌اند. بنا به گفته این نجات‌یافتگان، دست‌کم ۶۰ نفر از جمله چند کودک در راه جان خود را از دست داده‌اند. کریدور میانی مدیترانه یکی از «مرگبارترین» راه‌های مهاجرت در جهان خوانده می‌شود. تنها در دو ماه و نیمی که از سال میلادی جاری گذشته است، به گزارش آژانس مهاجرت سازمان ملل، ۲۲۶ نفر در این مسیر جان خود را از دست داده یا گم شده‌اند. خبر این فاجعه مرگبار در حالی انتشار می‌یابد که بنا به داده‌های جمع‌آوری شده توسط پروژه مهاجران گمشده وابسته به سازمان جهانی مهاجرت که به تاریخ ۶ مارس ۲۰۲۴ انتشار یافته است، در سال ۲۰۲۳ حداقل ۸۵۶۵ نفر در مسیر های مهاجرت در سراسر جهان جان خود را از دست داده اند. این رقم یک افزایش ۲۰ درصدی در مرگ و میرها را نسبت به سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد تا سال ۲۰۲۳ به عنوان مرگ بارترین سال در تاریخ ثبت شود. پروژه مهاجران گمشده که در سال ۲۰۱۴ تاسیس شده می‌گوید از زمان تاسیس خود تا حالا یعنی طی ده سال اخیر بیش از ۶۳ هزار مورد مرگ و میر و ناپدید شدن مهاجران را ثبت کرده است. با این حال این سازمان تخمین می‌زند که آمارهای واقعی باید بیشتر از اینها باشد چون به دلیل چالش‌های موجود در جمع‌آوری داده‌ها از جمله ناپدید شدن بدون رد قایق‌های حامل مهاجران نمی‌تواند همه موارد را ثبت کند. بنا بر این گزارش‌ها، گذرگاه مدیترانه همچنان مرگبارترین مسیر برای مهاجران بوده است، در این مسیر تعداد قربانیان از ۲۴۱۱ نفر در سال ۲۰۲۲ به ۳۱۲۹ نفر در سال ۲۰۲۳ رسیده است. در سال ۲۰۱۶ که شاهد فرار مهاجران زیادی از افغانستان و سوریه به سمت اروپا بود مرگ ۵۱۳۶ نفر ثبت شد. بنا بر همین گزارش بزرگترین تعداد مرگ و میرها در سال‌های اخیر در آسیا بوده است که بالغ بر ۲۱۳۸ پناهنده جان خود را از دست داده اند. در آفریقا هم تعداد بی‌سابقه‌ای بالغ بر ۱۸۶۶ نفر در صحرا و در مسیر دریایی به جزایر قناری جان خود را از دست داده اند. این شرایط وحشتناک مهاجرت و پناهندگی در حالیکه به طور فزاینده‌ای شاهد پناهنده ستیزی و بیگانه‌هراسی نیروهای راست افراطی و فاشیستی در کشورهای اروپایی و آمریکا هستیم. دولت‌ها و طبقه

اذعان به درماندگی در پیام نوروژی سران رژیم اسلامی!

از خط فقر تعیین شده است؟ چرا از ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار خبری نیست؟ چرا به اعتراف خود رژیم نرخ تورم به ۴۵ درصد رسیده است؟ چرا قدرت خرید مردم روز به روز بیشتر کاهش پیدا می کند؟ جواب این چراها از نظر توده های مردم روشن است. آنان روزانه از برملا شدن دزدیها و اختلاسهای دهها و صدها هزار میلیارد تومانی سران و مسئولان حکومت اسلامی مطلع می شوند. تنها در یک ماه گذشته بر اثر اختلافات درونی حکومت، پرونده های فساد مالی و دزدی کلان معاون اول قوه قضائیه و کاظم صدیقی امام جمعه تهران برملا شدند؛ اخبار افزایش سرسام آور بودجه نظامی دم و دستگاههای سرکوب امنیتی و نظامی را می شنوند؛ درحالی که در بودجه امسال نیز بودجه ای برای طرحهای عمرانی در نظر گرفته نشده اس، از افزایش هزینه های کلان سیاست منطقه ای رژیم در کمکهای بی دریغ به جریانات تروریست و ارتجاعی اسلامی وابسته تحت نام "محور مقاومت" خیر دارند. به همین دلیل از نظر آنان کل حاکمیت اسلامی مسئول بحرانها و اوضاع مصیبت باری است که در چهار دهه گذشته دامنگیر کارگران و مردم زحمتکش ایران شده است. به همین دلیل توده های مردم نیز در مضحکه انتخابات اخیر، پاسخ خود به دروغها و فریبکارهای خامنه ای و دیگر سران رژیم را نیز کف دستشان گذاشتند و نشان دادند که جمهوری اسلامی را نمی خواهند و خواهان سرنگونی آن هستند. البته این تنها بخش کوچکی از عکس العمل مردم به رژیم اسلامی بود. برخلاف موعظه های خامنه ای در پیام نوروژی امسال، کارگران و مردم تهیدست جامعه در طی ۴۵ سال گذشته هیچ گاه خبر خوب و شیرینی از جمهوری اسلامی نشنیده اند. آنچه دیده اند و تجربه کرده اند خبرها و اقدامات تلخ و ناگوار بوده است، خبر فقر و گرسنگی بوده، خبر جنگ و کشتار بوده، خبر اعدام، سرکوب، زندان و شکنجه بوده است. از این رو کارگران و توده های معترض مردم ایران راه نجات از این اوضاع فاجعه بار را در سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی فاسد سرمایه داران ایران می دانند.

جامعه را به فلاکت نشانده و با نامگذاری های شعاری و بی پایه قابل حل نمی باشد. ابراهیم رئیسی نیز در پیام نوروژی، بی شرمانه به تعریف و تمجید از عمل کرد دولتش در تحقق پیشرفت، رشد اقتصادی و کاهش تورم پرداخت. او گفت: "از ابتدای این دولت برخی از افراد مدعی بودند که تورم سه رقمی خواهد شد. اما امروز برعکس آن تورم در مسیر نزولی قرار گرفته است". اکاذیب و دروغگویی های خامنه ای و رئیسی در رابطه با رشد تولیدات و کاهش تورم درحالی است که هم مرکز آمار رژیم و هم مراکز مالی جهانی خلاف آنرا نشان داده اند. مرکز آمار جمهوری اسلامی چند روز قبل اعلام نمود که رشد تولید ناخالص داخلی در ایران در پائیز سال گذشته در زمینه های صنعت و معادن، کشاورزی، تأمین آب و برق و گاز نه تنها هیچ پیشرفتی نداشته است بلکه زیر صفر و منفی هم بوده است. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز رشد اقتصادی جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۲ را نزولی ارزیابی کرده بود. مهمتر اینکه خود کارگران و مردم تهیدست جامعه می بینند که روزانه گرسنه تر و سفره هایشان خالی تر می شود. اوضاع وخیم اقتصادی در حالی است که پاییز سال گذشته جمهور اسلامی در سازش با آمریکا و دیگر قدرتهای سرمایه داری توانست میزان فروش نفت نسبت به سال ۱۴۰۱ را ۲۲ درصد افزایش دهد و آنرا به حساب پیشرفت اقتصادی و رشد تولید معرفی کند. "اپک" سازمان کشورهای صادر کننده نفت نیز میزان تولیدات نفتی جمهوری اسلامی از پاییز سال گذشته تا کنون را روزانه ۳ میلیون و ۱۶۰ هزار بشکه برآورد کرده است. اما این درآمد کلان حاصل از فروش نفت کجاست؟ چرا با وجود چنین درآمد کلانی، رژیم اسلامی برای تأمین کسری بودجه به جیب و سفره کارگران چشم طمع دوخته و در بودجه سال ۱۴۰۳ افزایش ۶۹ درصدی مالیاتها را گنجانده است؟ چرا اوضاع معیشتی کارگران و مردم زحمتکش و تهیدست جامعه در این مدت فلاکتبار تر شده است؟ چرا حداقل دستمزد کارگران سه مرتبه پایین تر

در نخستین روز سال ۱۴۰۳ علی خامنه ای طی سخنانی اذعان کرد که هیچ برنامه و راه حلی در مقابل بحران اقتصادی مزمن و ریشه داری که سالهاست زندگی و معیشت کارگران و توده های مردم زحمتکش و تهیدست جامعه را به فقر و فلاکت کشانده، ندارد. او در مضحکه نامگذاری سال، امسال را به عنوان راهکار برون رفت از بحران اقتصادی تعیین طرح کرد و گفت: "امسال را سال جهش تولید با مشارکت مردم" می نامد. این درحالی است که هیچ یک از هدف گذاریهای سالهای قبل خامنه ای محلی از اعراب نداشتند و اوضاع اقتصادی ایران سال به سال بدتر و وخیم تر از گذشته شده است. خامنه ای با تجاؤل بحران عمیق اقتصادی حکومت را "نقطه ضعف در مسائل اقتصادی" نامید و گفت: "کلید حل مشکلات اقتصادی از جمله تورم، اشتغال و ارزش پول ملی، مسئله تولید است".

خامنه ای در بخشی دیگر از سخنانش با تأیید اکاذیب رئیسی قاتل در مورد رشد اقتصادی و کاهش تورم و مقصر قلمداد کردن دولتهای پیشین، به حمایت از او به توجیه شکست و ناتوانی دولت رئیسی پرداخت و گفت: "کارهای انجام شده در زمینه مهار تورم و رشد تولید در سال گذشته خوب بود اما نه به قدر مطلوب. در ضمن نباید توقع داشت چنین موضوع مهمی در مدت یک سال تحقق کامل یابد. زیرا سالهاست دولتهای جمهوری اسلامی به دلیل انبوهی از سیاستهای ارزشی داخلی و خارجی نتوانسته اند آن را حل کنند". فریبکاری خامنه ای در نامگذاری سال باصطلاح "جهش تولید" و توجیه شکست دولت رئیسی در همه عرصه ها و به ویژه در عرصه اقتصاد در حالی است که سالهاست اکثر کارخانه ها و مراکز تولید در ایران یا از کار افتاده و به کلی بسته شده اند و یا با حداقل ظرفیت تولید کرده اند. اما او خوب می داند که مشکل اصلی حکومت اسلامی بن بست در بحرانهای عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می باشد که رژیم سالهاست در آن دست و پا می زند. بحرانهایی که ساختار سیاسی و ایدئولوژیک و اداری رژیم آنها را تشدید کرده، زندگی و معیشت کارگران و دیگر اقشار زحمتکش و تهیدست